

A critique on the position of the family in the realization of the right to health in the scope of sustainable development (a case study of the pathology of the deviation of homosexuals from the natural family for children)

Soode Karimi

Ph.D. student of Public International Law, Payam Noor Graduate University, Tehran, Iran (Corresponding author).


soode.karimi@pnu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Mahya Safaryniya

Assistant Professor, Imam Sadegh University Sisters Campus, Tehran, Iran.


saffarinia@isu.ac.ir

 0000-0001-5532-5476

Hasan Khosravi

Associate Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

h.khosravi@pnu.ac.ir

 0000-0002-7416-1400

Abstract

The Sustainable Development Goals are targeted as a global document with a long-term perspective until 2030. In realizing the goals of this international policy, the family is considered as the first center where the growth and education of the members takes place. This article aims to answer the basic question that what role does the family play in achieving the goals of sustainable development and how can deviation from the normal course of the family cause the natural family to weaken and disrupt the achievement of the goals of sustainable development? Considering that the right to health has been targeted as one of the seventeen goals of sustainable development in different mental, physical, spiritual and social dimensions, and the family is considered the first focus of preserving and granting this right to its members, so According to the religious teachings of all divine religions and some philosophers, any deviation from the natural path of the family will disturb the health of its members, especially children, for this reason, this article aims to analyze the pathology of same-sex civil unions and their injuries. The result of adopting a child by these groups has been compiled with a descriptive analytical method with a practical aspect and information collection in the form of library and documents, the results of which indicate that due to the physiological and psychological differences of women and Man; Considering two completely different genders, it seems that every child needs a mother and a father for their full growth and health.

Keywords: Goals of sustainable development, family, children, homosexuals, right to health.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic

research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)




 10.22034/SCS.2023.374747.1380

نقدی بر جایگاه خانواده در تحقق حق بر سلامت در گستره توسعه پایدار (موردکاوی آسیب‌شناسی انحراف همجنس‌گرایان از خانواده طبیعی برای کودکان)^۱

سوده کریمی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تحصیلات تکمیلی پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


soode.karimi@pnu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

محیا صفاری‌نیا

استادیار دانشکده پرديس خاوران دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.


saffarinia@isu.ac.ir

 0000-0001-5532-5476

حسن خسروی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

h.khosravi@pnu.ac.ir

 0000-0002-7416-1400

چکیده

اهداف توسعه پایدار به‌عنوان سندی جهانی با چشم‌اندازی بلندمدت تا سال ۲۰۳۰ هدف‌گذاری شده‌اند. در تحقق اهداف این سیاست بین‌المللی، خانواده به‌عنوان نخستین کانونی که رشد و تربیت اعضا در آن صورت می‌گیرد در نظر گرفته می‌شود. این مقاله در راستای پاسخ به این سؤال اساسی که در نیل به اهداف توسعه پایدار خانواده چه نقشی ایفا می‌نماید و چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؟ باتوجه به اینکه حق بر سلامت به‌عنوان یکی از اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار در ابعاد مختلف روحی، جسمی، معنوی و اجتماعی، هدف‌گذاری شده‌اند و خانواده اولین کانون حفظ و اعطای این حق به اعضا محسوب می‌شود؛ بنابراین نظر به آموزه‌های دینی همه ادیان الهی و برخی فلاسفه، هرگونه انحراف از مسیر طبیعی خانواده موجب اختلال در سلامت اعضای آن به‌ویژه کودکان خواهد بود، به‌همین دلیل این مقاله با هدف آسیب‌شناسی اتحادهای مدنی هم‌جنس‌گرا و آسیب‌های حاصل از فرزندپذیری توسط این گروه‌ها با روشی توصیفی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع مبانی حقوق بشری تحکیم نهاد خانواده در پرتو توسعه پایدار، دانشگاه تحصیلات تکمیلی پیام نور می‌باشد.

تحلیلی با جنبه کاربردی و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است که نتایج حاصل از آن دلالت بر این دارد که باتوجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناسی زن و مرد؛ با در نظر گرفتن دو جنس کاملاً متفاوت به‌نظر می‌رسد هر کودک برای برای کمال رشد و سلامت خود نیازمند مادر و پدر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اهداف توسعه پایدار، خانواده، کودک، همجنس‌گرایان، حق بر سلامت.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.374747.1380



مقدمه و بیان مسئله

شناسایی برخی عناصر در صحنه بین‌المللی دارای آثار و پیامدهایی می‌باشد و شناسایی خانواده نیز دارای همین آثار و تبعات است که در صورت به رسمیت شناختن واحدی اجتماعی به‌عنوان خانواده، روابط درونی افراد آن نیز قانون‌مند شده و دارای حقوق و تکالیف می‌شوند و از منظر جامعه مورد حمایت واقع می‌شود؛ با توجه به اینکه در اوایل قرن بیستم روان‌پزشکان هم‌جنس‌گرایی را نوعی بیماری در نظر گرفتند و هم‌جنس‌گرایی جزء اختلال‌های رفتار جنسی طبقه‌بندی شد، اما در سال ۱۹۷۳ انجمن روان‌پزشکی آمریکا هم‌جنس‌گرایی را از فهرست بیماری‌های روانی حذف نمود و این گروه‌ها به مرور زمان در سایه حمایت قانون و اعطای برخی حقوق قرار گرفتند، سازمان بهداشت جهانی نیز در سال ۱۹۹۲ دگرباشی و هم‌جنس‌گرایی را از فهرست بیماری‌ها و مشکلات روانی مرتبط با بهداشت خارج کرد (غمامی و مقدمی خماسی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴)، لیکن استفاده غیرآناتومیک و غیرفیزیولوژیک از دستگاه تولید مثل، عملکرد فرد را در حوزه‌های متعددی از زندگی مانند عملکرد جنسی، سلامت جسمانی، تشکیل خانواده، والدگری و فرزندپروری و... مختل می‌نماید (مرعشی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰) در همین راستا شناسایی انواع مختلفی از اتحادهای مدنی در برخی اسناد بین‌المللی و آراء قضایی به‌عنوان خانواده، نزاعی طولانی در بین گروه‌های دوستدار خانواده و گروه‌های حامی حقوق سایر اتحادهای شبه‌خانواده به‌وجود آورد؛ زیرا در نتیجه این شناسایی خانواده طبیعی و کارکردهای آن در معرض آسیب قرار می‌گرفت، به‌همین علت، شناخت ابعاد مسئله در صورت اعطای حقوق خانواده طبیعی به سایر گروه‌ها اهمیت می‌یابد، اعطای حق والد شدن یا سایر حقوق اختصاصی خانواده هسته و طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ماهوی این کانون و سایر گروه‌ها منجر به تضعیف پایه‌های اساسی تشکیل جامعه (خانواده) خواهد شد و آثار مخرب آن اعضای خانواده به‌ویژه کودکان را در معرض آسیب قرار می‌دهد، همچنین حق بر سلامت در گستره اهداف توسعه پایدار در صورت شناسایی هم‌جنس‌گرایان به‌عنوان خانواده با ابهام مواجه خواهد شد؛ زیرا در ابعاد مختلف سلامت این گروه از اقلیت‌های جنسی در معرض آسیب هستند. بدین جهت نگارنده در پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن ارائه ادله، خوانشی

مجدد در خصوص خانواده طبیعی بر مبنای مستندات فلسفی مبتنی بر حقوق طبیعی داشته باشد و با تقریر هم‌جنس‌گرایی در زمینه‌های متعدد، حق والدگری این گروه را به جهت رد یا پذیرش فرزندخواه‌گی توسط آنها بررسی نماید.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل جایگاه خانواده در تحقق اهداف توسعه پایدار و آسیب‌شناسی انحراف از خانواده طبیعی به‌ویژه برای کودکان می‌باشد. بدین‌منظور برخی از اهداف توسعه پایدار که همگرایی بیشتری با نهاد خانواده دارند از ابعاد مختلف واکاوی شده و با توجه به منفعت عالی‌ه کودکان به‌عنوان ضعیف‌ترین اعضای خانواده که امکان انتخاب والدین خود را ندارند و به رشد عقلی و جسمی کامل نرسیده‌اند، هم‌زیستی هم‌جنس‌گرایان در تقابل با خانواده طبیعی تحلیل می‌شود.

با امعان نظر به مطالب فوق‌الذکر این سؤال‌های اساسی مطرح می‌شود که:

- ۱- در نیل به اهداف توسعه پایدار خانواده چه نقشی ایفا می‌نماید؟
- ۲- حق بر سلامت به‌عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار چگونه توسط خانواده طبیعی محقق می‌گردد؟
- ۳- چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؟
- ۴- هم‌جنس‌گرایی بر اشخاص هم‌جنس‌گرا و فرزندخواندگان آنها چه تأثیری دارد؟
- ۵- چگونه قوانین مشابه تأثیر متفاوتی بر زوج‌های هم‌جنس‌گرای مرد و زوج‌های هم‌جنس‌گرای زن دارد؟

۲. پیشینه پژوهشی

در ارتباط با پژوهش پیش‌رو یافته‌های مرتبط و همسویی از سوی برخی پژوهشگران صورت پذیرفته، از جمله:

- ۱- خانواده در اسناد حقوقی بین‌المللی حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳)، اثری است که در آن محیا صفاری‌نیا در سال ۱۳۹۳ ضمن بررسی تحولات جامعه بشری اسناد بین‌المللی از زمان کهن و به بحث در ارتباط با مفهوم‌شناسی خانواده و اصول حاکم بر آن در اسناد بین‌المللی پرداخته است. محتوای این اثر تنها بخشی از محتوای رساله حاضر را پوشش می‌دهد و در خصوص توسعه پایدار و خانواده، نویسنده قصد ارائه مطلب نداشته است.

۲- محمدجواد جاوید (جاوید، ۱۳۹۱) در سال ۱۳۹۱ در کتاب نقد مبانی فلسفی حقوق بشر، انسان‌شناسی حقوق بشر را با توجه به هستی‌شناسی و چیستی طبیعت بررسی نموده و در بخش دوم نظریه حقوق قراردادی بشر را بیان و در نهایت نظریه‌ای در باب شهروند قانونی مطرح نموده است. محتوای این کتاب اگرچه در بحث مبانی مشابهت با رساله حاضر دارد؛ لیکن، هدف مؤلف بررسی موضوع خانواده یا توسعه پایدار در کتاب خود نبوده است.

۳- ریچل وودوارد و تریش وینتر در کتابی با عنوان نگاه انتقادی به نحوه درک جنسیت یعنی معنای مرد یا زن بودن در ارتش معاصر بریتانیا (Woodward & Winter, 2007)، با نگاهی انتقادی به سیاست‌ها و عملکردهایی که هویت جنسیتی را در ارتش بریتانیای معاصر شکل می‌دهد و با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، پیامدهای سیاسی و عملی آن را بررسی کرده است که به‌عنوان جنبه‌ای کاربردی از موضوع پژوهش حاضر می‌توان به آن اشاره داشت.

نوآوری و وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های مختلف در حوزه بین‌المللی و داخلی این است که این پژوهش به‌عنوان پژوهشی میان‌رشته‌ای با بررسی مبانی فلسفی و روان‌شناختی و... به تشریح مبنایی انسان‌شناسی پرداخته است؛ سپس با امعان نظر به مبانی حقوق بشری از زاویه اهداف توسعه پایدار موضوع استحکام خانواده را بررسی کرده است، در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده موضوع تحکیم خانواده به این ترتیب بررسی نشده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

خانواده: خانواده در اصطلاح کوچک‌ترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر و فرزندان آنها است (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۴۷۲) تعریف شده است. دودمان، خاندان، تبار مجموعه افراد دارای پیوند نسبی یا سببی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند (معین، ۱۳۶۳ و دهخدا، ۱۳۴۱). در اعلامیه جهانی حقوق بشر خانواده به‌عنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع، معرفی و مستحق حمایت جامعه و دولت بیان شده است و برای هر زن و مرد بالغی با این حق شناسایی شده است که بدون هیچ محدودیتی از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر ازدواج نموده و هنگام انحلال آن برای زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی باشند. کنوانسیون

منع تبعیض علیه زنان، خانواده را یک ساختار اجتماعی، قانونی، مذهبی و اقتصادی تعریف کرده و در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) خانواده به عنوان واحد طبیعی و بنیادی جامعه بیان شده است^۱ (CEDAW General Recommendation CEDAW/C/GC/29, 2013). کمیته حقوق بشر^۲ در اظهار نظر عمومی خود در سال ۱۹۹۰ در مورد خانواده، اظهار داشت: که مفهوم خانواده ممکن است از برخی جهات از ایالت به ایالت و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. با وجود این آنچه در همه ایالت‌ها و کشورها از وحدت مفهومی برخوردار است، خانواده هسته و طبیعی می‌باشد؛ همان خانواده‌ای که تشکیل‌دهنده هر جامعه و محل پرورش نسل‌های آتی است.

ازدواج: زناشویی و ازدواج^۳ از منظر ریشه‌شناختی از اصطلاح لاتین ماریتاتوس^۴ گرفته شده و به معنای اتحاد و یکپارچگی میان زن و مرد در قالب قراردادی مشخص، سوگند تعهد و وفاداری یا اعلامیه‌ای رسمی^۵ است. از منظر اصطلاح‌شناسی واژه ازدواج، به معنای اتحاد و پیوستگی میان دو نفر است که از زاویه دید اجتماع به رسمیت شناخته شده و برای طرفین حقوق و مسئولیت به بار می‌آورد (Haviland; Prins & Bunny McBride, 2011, p. 209). این تعریف از سوی جامعه‌شناسانی ارائه شده که در پی به رسمیت شناختن اتحادهای مدنی هم‌جنس‌گرایان هستند.

هم‌جنس‌گرا: هم‌جنس‌گرایی - کشش جنسی برای (یا روابط جنسی با) افراد همجنس (Webster, 2023).

توسعه پایدار: اصطلاح توسعه پایدار نخستین بار در یکی از تصمیم‌های شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد^۶ در سال ۱۹۷۵ به کار برده شد، بعد از آن توسعه پایدار در (جهانی‌پور و توحیدی، ۱۴۰۰، ص. ۶۴۲) دهه هشتاد میلادی و در

1. CEDAW General Recommendation No 29 on Economic consequences of Marriage, Family relations and their dissolution under article 16 of the Convention, CEDAW/C/GC/29 (26 February 2013) para 1. CEDAW General Recommendation No 29 paras 7, 8. See also CEDAW General No 28 on the Core Obligations of States Parties under art 2 of the Convention, CEDAW/C/GC/28 (16 December 2010).

2. HR

3. Marriage

4. Maritatus

5. c. 1300, mariage, "action of entering into wedlock;" also "state or condition of being husband and wife, matrimony, wedlock;" also "a union of a man and woman for life by marriage, a particular matrimonial union;" from Old French mariage "marriage; dowry" (12c.), from Vulgar Latin *maritaticum (11c.), from Latin maritatus, past participle of maritare "to wed, marry, give in marriage" (see marry (v.)). The Vulgar Latin word also is the source of Italian maritaggio, Spanish maridaje, and compare mariachi.

6. UNEP: United Nations Environment Programme

سال ۱۹۸۳ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح گردید. در سندی که گروه‌های برون‌تلند در کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تحت عنوان آینده مشترک ما ارائه داد، تمرکز بر نگرانی جدی نسبت به محیط زیست و تلاش برای بالا بردن سطح زندگی فقرا در جهان بود و قرار گرفتن توسعه پایدار به‌عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی درخواست شد؛ بنابراین از دهه هشتاد میلادی کلیدواژه توسعه پایدار در ادبیات حقوق بین‌الملل ورود یافت. پس از فراز و فرودهای بسیار، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ کلیه کشورهای عضو سازمان ملل موظف شدند سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت دستیابی به اهداف هفده‌گانه تلاش نمایند.

۲-۳. مبانی نظری

نظریه‌های دو گروه از فلاسفه مقدم و مؤخر در خصوص ازدواج به‌عنوان پیش‌شرط خانواده، حائز اهمیت می‌باشد. عده‌ای مانند سنت آگوستین، امانوئل کانت و گاهی زیگموند فروید، با دیدگاه بدبینانه در فلسفه جنسی، معتقدند انگیزه و عمل به اعمال جنسی همواره مخالف شأن و منزلت انسانی است و جوهره و نتایج این انگیزه را با اهداف و آرزوهای مهم‌تر و والاتر وجودی انسان ناسازگار می‌بینند و تهدیدی برای انسانیت انسان می‌دانند (Mill, 2021). کانت معتقد است که فعالیت جنسی شخص مورد علاقه را در حد یک شی پایین می‌آورد و انحطاط ذات انسانی است (Kant, 1963, p. 163). برنارد بامیریم^۱ هم به این نکته اشاره می‌کند که «تعامل جنسی - از نظر فیزیکی، روان‌شناختی، عاطفی و حتی فکری اساساً فریب‌دهنده است» (Baumrin, 1984, p. 300).

در مقابل دیدگاه اسلام مبتنی بر این موضوع است که ارضای تمایلات جنسی در نظام خانواده و با پیش‌شرط ازدواج، امری پسندیده است و در صورت فراهم نبودن شرایط باید عفت پیشه کرد^۲. تنها الگوی مورد پذیرش به‌عنوان خانواده در اسلام وجود دو جنس در کنار یکدیگر است، در همین راستا موافقان تمایلات جنسی را سازوکاری می‌دانند که به‌طور طبیعی افراد را هم از نظر جنسی و هم غیرجنسی پیوند می‌دهد؛ اما آکویناس و ناگل معتقدند آنچه در تمایلات جنسی انسان غیرطبیعی است انحراف است و آنچه در جنسیت انسانی غیرطبیعی یا انحراف است، صرفاً چیزی است که با جنسیت طبیعی انسان ناسازگار است. آکویناس بر اساس

1. Bernard Baumrim

۲. ولیستغف آل‌دین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله (نور / آیه ۳۳).

مقایسه تمایلات جنسی انسان‌ها و تمایلات جنسی حیوانات پایین‌تر (به‌ویژه پستانداران) نتیجه می‌گیرد که آنچه در تمایلات جنسی انسان طبیعی است، انگیزه جنسی دگرجنس‌گرا است. این نوع از رابطه توسط خدای مسیح طراحی شده است؛ جهت حفاظت از گونه‌های حیوانی از جمله انسان و از این‌رو این نوع رابطه، طبیعت اولیه ماهیت رابطه جنسی انسان است. آمیزش جنسی با حیوانات پست‌تر (حیوان‌گرایی)، فعالیت جنسی با افراد همجنس خود (همجنس‌گرایی) و خودارضایی از نظر آکویناس اعمال جنسی غیرطبیعی هستند و دقیقاً به‌همین دلیل غیراخلاقی هستند. اگر آنها عمداً مطابق میل شخص انجام شوند، عمداً نظم طبیعی جهانی را که خدا آفریده است و خداوند دستور داده است که به آن احترام گذاشته شود، برهم می‌زنند (Aquinas, 1964, pp. 153-154). در این مقاله نویسنده نیز همراه با نظر اسلام و گروه موافقان به استدلال می‌پردازد، اما با تأکید بر این نکته که همراه با دیدگاه اندیشمندان مسلمان، هر نوع رابطه جنسی‌ای مورد تأیید نیست؛ امروزه در بسیاری از جوامع، در کنار کمرنگ شدن مفهوم سنتی خانواده (خانواد گسترده) و خانواده نوین (خانواده هسته‌ای) که هر دو مبتنی بر پیوندهای خونی و ازدواج هستند، مفهومی از خانواده در حال رشد است که مبتنی بر خون یا ازدواج نیست (مثل زوج‌های ناهمجنس‌گرای ازدواج‌نکرده یا زوج‌های همجنس‌گرا) البته گروه‌های دوستدار خانواده، این نهاد را متشکل از زن و مرد ازدواج کرده و فرزندان آنها دانسته‌اند و سایر قالب‌ها برای تشکیل زندگی مشترک میان دو همجنس را غیراخلاقی و فاقد نام خانواده می‌دانند. کاهش نرخ ازدواج و زاد و ولد، افزایش نرخ ازدواج‌های غیررسمی، طلاق و خانواده متشکل از پدر یا مادر به همراه فرزندان، افزایش اشتغال زنان و افزایش فردگرایی در روابط خصوصی، که در زندگی خانوادگی رخ داده، از جمله موارد انحراف خانواده از مسیر طبیعی بودن به‌شمار می‌آیند که موجب فروپاشی خانواده است (موسوی و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۴۹۲).

۴. روش پژوهش

با عنایت به اینکه این مقاله به بررسی وضع موجود خانواده طبیعی و برخی انواع انحراف از مسیر خانواده طبیعی و آثار آن بر روی سلامت کودکان می‌پردازد، ویژگی‌ها و اوصاف پدیده‌های هدف را با روش توصیفی - تحلیلی پژوهش شده است. به‌همین علت در ابتدا با بررسی اسناد مختلف در حوزه‌های مرتبط با نقش خانواده در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و باتوجه به هدف نیل به سلامتی، با تمرکز بر گروه

هم‌جنس‌گرایان به‌عنوان یکی از انواع انحراف از خانواده طبیعی، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی را مورد بازبینی قرار داده است؛ با این هدف که زوایای متعدد آثار بر روی سلامتی کودکان با استفاده از نمونه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده، دعاوی دادگاه‌ها و نتایج ارائه شده تبیین شود. این پژوهش جهت بهره‌برداری در سیاست‌گذاری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جنبه کاربردی دارد و اطلاعات مقاله به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی در سال ۱۴۰۱ جمع‌آوری شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. نقش خانواده در نیل به اهداف توسعه پایدار

در پاسخ به سؤال اساسی مقاله در خصوص اینکه خانواده در نیل به اهداف توسعه پایدار چه نقشی ایفا می‌نماید بیان نکات ذیل ضروری است:

سیاست‌های مرتبط با خانواده که آمیخته با فرهنگ و تمدن هر کشور است یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌های عمومی ملی برای تأثیرگذاری دولت‌ها بر استاندارد زندگی نسل‌های آینده است. این موضوع به میانی تفکری فلسفی دولت‌ها در خصوص خانواده وابستگی و ارتباط مستقیم دارد.

بسیاری از سیاست‌های توسعه پایدار از جمله کاهش فقر، حمایت از کودک، بهبود سلامت و آموزش را با محوریت خانواده و با لحاظ شرایط اختصاصی هر کشور می‌توان حاصل نمود. هدف توسعه پایدار پیشرفت‌های اجتماعی است که در صد است که تا سال ۲۰۳۰ محقق شوند. اگرچه که نقش خانواده‌ها در دستیابی به اهداف توسعه تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود، اما به نظر می‌رسد بر این واقعیت اتفاق نظر وجود دارد که، ثبات و انسجام جوامع عمدتاً بر استحکام خانواده استوار است. در واقع، دستیابی به اهداف توسعه پایدار بستگی به این دارد که خانواده‌ها تا چه حد توانمند شوند تا در دستیابی به آن اهداف مشارکت کنند؛ بنابراین، در یک رابطه دو سویه، سیاست‌های متمرکز بر بهبود رفاه خانواده‌ها مطمئناً به نفع توسعه خواهند بود (Report of the United Nations Secretary-General, 2010, p. 4).

نکته مهم این است که از بین بردن فقر و کاهش آن از جمله اهداف توسعه پایدار می‌باشد و یک عامل استرس‌زا برای بشر محسوب می‌شود. فقر خانواده می‌تواند بر عملکرد و ثبات خانواده تأثیر بگذارد، که این موضوع می‌تواند در سلامت روان، رفاه و افزایش خشونت بین‌فردی مؤثر باشد (Richardson & et al., 2020, pp. 8-32).

به‌طور کلی، شواهد بیانگر این است که خانواده‌های توانمند به‌عنوان واحدهای حمایتی عمل می‌کنند و منابع مهمی شامل زمان، منابع مالی، منابع فیزیکی، مراقبت بین‌فردی و امنیت عاطفی را برای افراد فراهم می‌نمایند. پیشرفت خانواده‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر پیشرفت جوامعی که آنها بخشی از آن هستند، تأثیر می‌گذارد. از این نظر، خانواده‌ها بسترهای مهم اساسی را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار فراهم می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان نقش خانواده‌های توانمند را در توسعه پایدار نادیده گرفت (Richardson & et al., 2020, pp. 8-34).

آنچنان‌که ملاحظه شد این کانون خانواده است که می‌تواند حصول بسیاری از اهداف توسعه پایدار را به‌عنوان اولین محیط رشدی اعضای جامعه، تسریع بخشد، این نقش حائز اهمیت موجب می‌شود حفظ خانواده به‌عنوان مقدمه واجب، ضروری شمرده شود و به‌همین ترتیب هر آنچه که باعث تضعیف این کانون شود، قاعداً دستیابی به رفاه، رفع فقر و... را سخت می‌نماید. البته در این رویکرد، تفاوت دیدگاه‌های کشورهای مختلف می‌تواند مسیر متفاوتی را در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار انتخاب نماید؛ به‌عنوان مثال، با در نظر گرفتن برابری در اصول اساسی انسانی، تبعیض مثبت در راستای عدالت توزیعی و کرامت بشری در دو سطح ذاتی و اکتسابی و داخلی و خارجی در بستر ارزش حیات به‌عنوان سرمنشأ کلیه حقوق، خانواده در جهت نیل به تعالی، سوق داده می‌شود و در این راستا، بر زدودن فقر و آموزش و برابری جنسیتی سایر اهداف توسعه پایدار مرتبط با خانواده هدف‌گذاری می‌گردند.

۵-۲. ابعاد حق بر سلامت

در پاسخ به دومین سؤال مقاله حاضر در خصوص نقش خانواده در حق بر سلامت مروری بر اسناد مرتبط با این حق مفیده‌فایده به نظر می‌رسد. در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد به‌صورت تلویحی حق بر سلامت اشاره شده، همچنین ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتباط با حق بر تأمین سطح زندگی و سلامتی افراد و برخورداری از شرایط زندگی شرافتمندانه در وضعیت‌هایی مانند بیماری، همچنین در خصوص مادر و کودکان به حق بر مراقبت‌های تخصصی و کمک از دولت اشاره شده است که جمع مواردی که مطرح شد، موجب ایجاد استانداردهایی برای زندگی سالم خواهد شد.

در ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌صراحت حق بر سلامت تأکید شده و دلالت بر آن دارد که دولت‌های عضو میثاق، حق هر کس به

تمتع از بهترین حالت سلامتی و روحی ممکن الحصول را به رسمیت می‌شناسند. این نکته حائز اهمیت است که در این ماده حق بر سلامت جسم و حق بر سلامت روحی به صورت مجزا اشاره شده است.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۲۰۰۰ حق بر سلامتی را به عنوان یک حق بشری که برای اعمال سایر حق‌های بشری ضروری است؛ معرفی کرده است. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی در ماده ۵، بند ه دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حق هر فرد را نسبت به سلامتی عمومی، مراقبت پزشکی و خدمات تأمین اجتماعی را تضمین نمایند.

ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، بر حق کودک برای برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشت دلالت دارد.

در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی نیز بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادین هر انسان شناخته شده است و این سازمان، در ماده یک اساسنامه خود دلالت بر دستیابی همه به بالاترین سطح ممکن برای سلامت به عنوان هدف دارد، همچنین در تعریفی فاخر سلامتی را حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی (https://www.who.int/about/governance/constitution, 2022) و نه صرفاً فقدان بیماری یا ناتوانی تعریف کرده است.

آنچنان که از مستندات فوق قابل استدلال است، اینکه حق بر سلامتی اولاً، به طیف وسیعی از اعمالی که ایجاد شرایط زندگی سالم می‌کنند، اشاره دارد و ثانیاً، استنباط می‌شود که ابعاد سلامت جنبه‌های مختلف دارد و سلامت جسم، سلامت روح یا روان و سلامت اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ قاعداً در صورت تحکیم خانواده دستیابی به این سطوح از سلامتی در بستر کانونی که اولین بستر حمایتی افراد است به ساده‌ترین شیوه‌ها قابل حصول است؛ اما باید در نظر داشت که نمی‌توان سلامتی را بدون نظر گرفتن بعد معنویت متعادل تصور کرد.

تاکنون، جامعه علمی جهان، نقش مثبت اعمال معنوی و معنویت را در درمان سرطان، فشار خون، افسردگی و استعمال دخانیات تثبیت کرده است. به گفته برخی دانشمندان اگر طب نوین واقعاً یک هنر شفابخش است، نه تنها باید به بدن افراد، بلکه به ذهن و روح آنها نیز بپردازد، همچنین نه تنها باید با سازوکار بیماری، بلکه با معنای آن در زندگی روزمره مردم نیز سروکار داشته باشد. باید تشخیص دهد که قدرت شفای دیگران و شفا یافتن به ورای بعد فیزیکی نیاز دارد (Dhar; Chaturvedi, 2013, p. 2). در این خصوص اگرچه دولت‌ها نقش به‌سزایی می‌توانند

ایفا نمایند؛ اما در صورت وجود خانواده‌های سالم، که اعضای آن در خانواده بر اساس ارزش‌های والای انسانی رشد و پرورش می‌یابند و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، دستیابی به سلامت معنوی از اولین سال‌های زندگی برای افراد نهادینه خواهد شد. کودکان در سال‌های ابتدایی زندگی که ذهن و روحشان پرورش می‌یابد لازم است که در کانونی رشد یابند که تضمین‌کننده این بعد از سلامتشان باشد تا بتوانند در مسیر کرامت اکتسابی قدم بردارند. والدین و سایر اعضای خانواده می‌توانند به‌عنوان مروج اولیه زندگی سالم عمل کنند. عملکرد خانواده - یا ناکارآمدی - می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی برای نوجوانان داشته باشد. خانواده‌ها همچنین می‌توانند منبع استرس و افسردگی باشند که سلامت روح را به‌خطر می‌اندازد. همچنین، خانواده‌های بسیار ناکارآمد نیز می‌توانند مرتکبین خشونت و آزار خانگی را در خود جای دهند که منجر به آسیب جسمی، بستری شدن در بیمارستان و خودکشی شوند و به‌تبع این آسیب‌ها را در اجتماع نیز وارد نمایند و سلامت اجتماعی نیز به خطر افتد؛ بنابراین حمایت از محیط‌های خانواده سالم و خانواده‌هایی که می‌توانند رفتارهای سالم را ترویج کنند؛ می‌تواند به دستیابی به طیفی از اهداف توسعه پایدار کمک کند؛ به‌عنوان مثال، کودکانی که از نظر جسمی و روحی سالم هستند نسبت به سایرین توانایی یادگیری، فعالیت اجتماعی و بازی بیشتری دارند. بزرگسالان سالم از نظر جسمی در مقایسه با هم‌تایان ناسالم خود احتمالاً در کار بهره‌ورتر هستند و مسئولیت‌های مراقبتی خود را انجام می‌دهند و بزرگسالانی که سلامت روانی خوبی دارند، کمتر رفتارهای پرخطر از جمله خطر مشارکت در جرایم خشونت‌آمیز را انجام می‌دهند.

۵-۳. تعاملات حق بر سلامت و حمایت از خانواده طبیعی

در پاسخ به این سؤال که چگونه انحراف از سیر طبیعی خانواده می‌تواند باعث تزلزل خانواده طبیعی و خلل در نیل به اهداف توسعه پایدار گردد؛ بررسی موضوع خانواده طبیعی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ضرورت دارد:

خانواده طبیعی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای: بسیاری از اسناد بین‌المللی به موضوع طبیعی بودن خانواده صریحاً یا تلویحاً اشاره داشته‌اند که برخی از آنها ذکر می‌گردد: ماده ۱۰ بند یک میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد: «خانواده که عنصر اساسی جامعه است، باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد؛ به‌ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت

نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را برعهده دارد^۱. آنچه از متن ماده ۱۰ حاصل می‌شود آن است که:

- ۱- خانواده نهادی طبیعی است (بخش نخست ماده)؛
 - ۲- خانواده یک موجود و هویت مستقل است که دولت‌ها موظف به حمایت از آن در حد اعلائی خود هستند (بخش نخست ماده)؛ این تعهد در قاعده تأمین و تسهیل حداکثری حقوق خانواده معنا می‌یابد.
 - ۳- ازدواج اگرچه تنها مدخل تشکیل خانواده نیست، اما حداقل یکی از مهم‌ترین درگاه‌های ورود به نهاد خانواده است (بخش دوم ماده)؛
- ماده ۲۳ از فصل سوم میثاق، طی ۴ بند به حق بر خانواده اختصاص دارد: خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و دولت را دارد. طبق ماده ۲۳ خانواده واحد طبیعی و اساسی اجتماع است و حق هر زن و مردی که به سن ازدواج رسیده، در تشکیل خانواده و ازدواج به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین با مبنا قراردادن طبیعی بودن خانواده باید بیان کرد که هم‌جنس‌گرایان یکی از اشکال انحراف از خانواده طبیعی محسوب می‌شوند.
- مقدمه کنوانسیون حقوق کودک: «دولت‌ها با به رسمیت شناختن اینکه خانواده واحد طبیعی و بنیادین اجتماع است و می‌بایستی تحت حمایت جامعه و دولت قرار گیرد؛ باید همه اقدام‌های لازم و شایسته را برای تضمین حمایت از این نهاد به‌ویژه خانواده‌های کارگران مهاجر به‌عمل آورند^۲». بند ۱۶ ماده سیدا: «دولت‌های عضو باید اقدام‌های لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به‌عمل آورند و به‌خصوص بر پایه تساوی حقوق زن و مرد امور زیر را تضمین کنند: ز: حقوق شخصی یکسان به‌عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل^۳؛ طبق نص صریح سیدا؛ زن و مرد باید دارای حقوق

1. Art 10: "The States Parties to the present Covenant recognize that: The widest possible protection and assistance should be accorded to the family, which is the natural and fundamental group unit of society, particularly for its establishment and while it is responsible for the care and education of dependent children. Marriage must be entered into with the free consent of the intending spouses.

2. Article 77 para 0: "States Parties, recognizing that the family is the natural and fundamental group unit of society and is entitled to protection by society and the State, shall take appropriate measures to ensure the protection of the unity of the families of migrant workers".

3. Article 01 para. g: "States Parties shall take all appropriate measures to eliminate discrimination against women in all matters relating to marriage and family relations and in particular shall ensure, on a basis of equality of men and women ... (g) The same personal rights as husband and wife, including the right to choose a family name, a profession and an occupation".

شخصی یکسان به‌عنوان زوج و زوجه (زن و شوهر) باشند. عبارات فوق صریحاً این معنا را در خود دارد که تشکیل خانواده از دو جنس متفاوت و بر پایه زناشویی میان یک زن و یک مرد است؛ چراکه در پیوندهای هم‌جنس‌گرا دو طرف یا زوج هستند یا زوجه و دو نقش جنسیتی هم‌زمان در این پیوندها دیده نمی‌شود؛ بند ب ماده ۵ این سند نیز به‌گونه‌ای دیگر همین موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد: «دولت‌های عضو، اقدامهای مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد: ب: حصول اطمینان از اینکه تعلیم و تربیت خانواده، شامل درک صحیح از مادری به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان می‌شود»^۱؛ متن صریح این ماده نیز تربیت در نهاد خانواده را مسئولیت مشترک زن و مرد می‌داند و این بدین معنا است که اساساً خانواده طبیعی مذکور در لایحه حقوق بشر که این سند نیز در مقدمه و مواد اولیه خود تبعیت از آن را تأیید نموده، متشکل از یک زن و یک مرد است (مقدمی خمایی، ۱۳۹۸، ص. ۸۳). بند الف ماده ۱۳ از حقوق مساوی زن و مرد در بهره‌مندی از مزایای خانوادگی سخن به میان آورده و بند ۱ ماده ۹ نیز از عدم تغییر تبعیت زنان پس از ازدواج پرده‌برداری کرده است. در هر دوی این موارد آنچه حائز اهمیت است آن است که بر تصویر طبیعی خانواده یعنی خانواده غیرهمجنس صحه گذاره است. با این توضیح حمایت از خانواده سالم بی‌تردید از ضروری‌ترین وسایل دستیابی به حق بر سلامت در ابعاد مختلف است. در این میان اگرچه بیوه شدن، اعتیاد، طلاق و... بر سلامت کانون خانواده به‌عنوان مسیر دستیابی به اهداف توسعه پایدار مؤثر است؛ اما یکی از انحراف‌های دیگر از مسیر خانواده طبیعی، اتحادهای هم‌جنس در اشکال مختلف می‌باشند. در بخش‌های آتی چگونگی اثرگذاری این اتحادها که اساساً تحدیدکننده خانواده طبیعی محسوب می‌شوند، بر ابعاد مختلف سلامت مورد بررسی قرار داده می‌شود.

۴-۵. ابعاد حق بر سلامت در هم‌زیستی‌های هم‌جنس‌گرایان و

فرزندخواندگان آنان

جهت بررسی این موضوع بررسی خلاصه تفاوت‌های جنس زن و مرد از ابعاد گوناگون

1. Article 2 para b: "States Parties shall take all appropriate measures: (b) To ensure that family education includes a proper understanding of maternity as a social function and the recognition of the common responsibility of men and women in the upbringing and development of their children, it being understood that the interest of the children is the primordial consideration in all cases".

در راستای پاسخ به سؤال‌ها مفید به نظر می‌رسد. تفاوت‌های جنسی غیرفیزیکی ناشی از نقش‌های اجتماعی با واسطه فرهنگی است؛ که توسط پسران و مردان و دختران و زنان اتخاذ می‌شود (GEARY, 1998, p. 226). در حالت فیزیکی و در حالت عادی تمایز دستگاه تناسلی مؤنث و مذکر در جنین به وجود یا عدم هورمون‌های مردانه بیضه‌ها وابسته است. اگر این هورمون‌ها موجود باشند، در جنین ساختارهای خارجی و داخلی تناسلی مذکر پدید می‌آید. اگر موجود نباشند، جنین به صورت دختر رشد می‌کند (دنی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳). الگوی تفاوت‌های جنسیتی در دوران نوزادی نشان می‌دهد، که دختران و پسران به‌طور متفاوتی جهت‌گیری، پردازش و واکنش نشان می‌دهند. تفاوت بازی‌ها، در پستانداران، فرزندپروری بازی اغلب در ماده‌های جوانی مشاهده می‌شود که هنوز اولین فرزند خود را ندارند. در تعدادی از این گونه‌ها، فرزندپروری زود هنگام (مثلاً مراقبت از خواهر و برادر) تفاوت جنسیتی در بازی‌های حرکتی تا حدی به انواع مختلف فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که پسران و دختران در آن شرکت می‌کنند (GEARY, 1998, p. 241). تفاوت‌های مربوط به جنسیت در کل مغز و همچنین در هر منطقه خاص مغز وجود دارد (Xin; Zhang; Tang & Yang, 2019, p. 9). این تفاوت‌های ساختاری مغز مرتبط با جنسیت ممکن است به تفاوت‌های جنسیتی در شناخت، کنترل عاطفی و اختلال‌های عصبی مرتبط باشد تحقیقات حجم بیشتری را در مخرجه مردان نسبت به زنان نشان داده‌اند و این تفاوت به‌ویژه در نیمکره‌های مخرجه و ورم قدامی مشهود است (-Raz; Gunning-Dixon; Head; Williamson & Ackera, 2001, pp. 1161-1167). دخترها توانایی کلامی بالایی دارند، پسرها در توانایی بصری - فضایی سرآمدند، روابط اجتماعی برای زن‌ها از مردها مهم‌تر است و زن‌ها در روابط اجتماعی خود، حساس‌تر و ظریف‌تر هستند (دیلیو سانتراک، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۳-۲۹۴). آستانه حس درد و حس لمس دختران از بدو تولد پایین‌تر از پسران است. در صورتی که به تفاوت‌های محیطی نیز در نظر گرفته نشود، تفاوت‌های غیرمحیطی زن و مرد که فارق از هر نوع فرهنگ و محیط، باعث تمایز زن و مرد از یکدیگر می‌شوند، باعث تفاوت در نوع عملکرد و برخورد آنها در اجتماع و تفاوت برخورد اجتماع با آنها می‌شود. با لحاظ خلاصه تفاوت‌های زن و مرد، باتوجه به تفاوت‌هایی که اختصاراً بیان شد هم‌زیستی‌های هم‌جنس‌گرا ابتدا به جهت سلامت خود و سپس از منظر فرزنددانی که آنها به سرپرستی می‌پذیرند بررسی می‌گردد.

در خصوص سلامت روان، افرادی که به هر گروه اقلیت تعلق دارند، از استرس به

حاشیه راندن خود و تبعیض و انگ درونی و همچنین عوامل استرس‌زای تبعیض روزانه، انتظار طرد شدن، خود بی‌ارزشی به دلیل همجنس‌گرا بودن و هراس درونی، پنهان کردن هویت و سایر اشکال انگ زدن یا برچسپ زدن رنج می‌برند.

بررسی‌ها خطر ابتلا به اختلال‌های روانی، خودکشی و خودآزاری عمدی که مرتبط با سلامت روانی و جسمی هستند، را در افراد همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا در مقایسه با افراد دگرجنس‌گرا ۱,۵ تا ۵ برابر بیشتر نشان می‌دهد (Frisch; Moseholm; Andersson; Bernhard Andresen & Graugaard, 2019, p. 764). بدیهی است در صورتی که همین افراد زندگی مشترک تشکیل دهند و یا کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرند به همین میزان آمار احتمال خودکشی والدین بالاتر از والدین دگرجنس‌گرا خواهد بود. به علاوه اینکه افراد دوجنس‌گرا کمتر با جامعه خود ارتباط دارند (Salfas; Jonathon Rendina & Parsons, 2019, pp. 300-309). مجموع این موارد در بعد وسیع‌تر سلامت اجتماعی را نیز تهدید می‌نماید.

البته فراتر از این متغیرهای اجتماعی و محیطی، باید توجه داشت که عوامل ژنتیکی نیز ممکن است به‌عنوان یک عامل مشترک در زمینه رفتار جنسی و اختلال‌های روانی مانند افسردگی نقش داشته باشند (Ganna & et al., 2019, pp. 365-882). باتوجه به اینکه اقلیت‌های جنسی در معرض این آسیب‌های سلامت هستند؛ قاعدتاً در صورتی که با ازدواج در یک اتحاد مدنی قرار گیرند، افرادی با همین جنبه‌های نامطلوب سلامت روان به تشکیل اتحاد پرداخته‌اند که اساساً این کانون را هم در معرض آسیب قرار می‌دهند. اگرچه که قانون‌نگاری‌های اخیر در برخی از کشورها در تلاش در جهت احترام به حق سلامت این اقلیت بوده‌اند؛ تا میزان برابری را در میان این اشخاص و سایر افراد دگرجنس‌گرا ایجاد نمایند، اما در تصمیم‌گیری‌های کلان امکان اغماض در خصوص جنبه‌های فقدان سلامت روان این گروه وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال، در خصوص فرزندپذیری یا والد شدن اقلیت‌های جنسی که مستقیماً یک کارکرد خانوادگی است می‌توان به این موضوع اشاره داشت، که آیا اقلیت‌های جنسی‌ای که خود در معرض آسیب‌های سلامتی از جنبه‌های مختلف هستند باید حق بر والد شدن داشته باشند؟ آیا حیات به‌عنوان ارزشی بنیادین در جدال با سایر حقوقی همچون توزیع برابری جنسیتی برخلاف صفات جنس زن و مرد می‌تواند مغلوب شده و موجباتی برای تولد فرزندانی شود که از مسیری به‌جز مسیر طبیعی زاده شده‌اند؟ صرفاً به این علت که دو شخص همجنس تمایل به هم‌زیستی با یکدیگر داشته‌اند که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده

پزشکی در سطح جهان به عوارض شدید سلامتی این نوع اجتماع‌ها در ابعاد مختلف تأکید نموده‌اند؟

۵-۵. چگونگی والد شدن در همجنس‌گرایان

با رویکردی انسان‌شناختی می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه قوانین مشابه تأثیر متفاوتی بر زوج‌های همجنس‌گرای مرد و زوج‌های همجنس‌گرای زن دارد؟ با توجه به اینکه گروه‌های همجنس‌گرا از مسیر طبیعی والد شدن خارج شده‌اند؛ بنابراین برای دولت‌هایی که حق بر ازدواج و در تعاقب آن حق فرزندپذیری را برای این گروه‌ها به رسمیت می‌شناسند ضروریست تا قوانینی را وضع نمایند در جهت حمایت از برخی روش‌ها تا به دو زن یا دو مرد امکان والد شدن را اعطا کنند، اما در اثنا تشریح قوانین، قانون با عوامل دیگری ترکیب می‌شود و امکان دسترسی به مادری برای زنان در زوج‌های همجنس‌گرا را افزایش دهد و درعین حال امکان والد شدن را برای زوج‌های همجنس‌گرای مرد محدود کند. در همین راستا اسپانیا سومین کشور در جهان بود که ازدواج همجنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۵ قانونی کرد و اولین ایالتی بود که امکان پذیرفتن ازدواج را به زوج‌های همجنس اعطا کرد (Imaz, 2017, pp. 5-11). اما در خصوص والد شدن مردان آنها برای طی مسیر پدر شدن از طریق رحم اجاره‌ای (Gross, 2012) با مخالفت قابل توجهی در اسپانیا مواجه شدند، این نابرابری بین زن و مرد در رابطه با تولید مثل را می‌توان با تداوم الگوهای فرهنگی پدری و مادری که توسعه مدل‌های جدید خانواده و دگرگونی روابط جنسیتی را محدود می‌کند، توضیح داد و همین موضوع، به تفاوت‌های اساسی جنس زن و مرد در کانون خانواده اشاره دارد که حتی کشورهایی که به‌طور رسمی، اقلیت‌های جنسی را مورد شناسایی قرار داده‌اند، نمی‌توانند به‌صورت عملی از آن چشم‌پوشی کنند، به دلیل اینکه ماهیت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است و اتفاقاً بحث تبعیض مثبت و عدالت توزیعی در راستای همین تفاوت‌ها قابل ارائه و اعمال است. در این رابطه توجه به قوانین فرزندخواندگی و قانون کمک باروری انسان مفید به نظر می‌رسد.

در اسپانیا رحم جایگزین شامل احتمال تشکیل جنین با تخمک اهدایی زنی که مایل به مادر شدن است؛ اما نمی‌تواند نوزاد را حمل کند هم می‌شود. اما حتی در صورت دریافت تخمک زن از همسرش، زن به دلیل ارتباط ژنتیکی با فرزند، مادر نمی‌شود، بلکه مادر شدن او با ازدواج او با زنی که نوزاد را حمل کرده و به دنیا آورده،

تعیین می‌شود. به این معنا که صرف تولد فرزند توسط شریک زندگی باعث مادر شدن طرف مقابل نمی‌شود و لازم است زنی که فرزندی دنیا نیاورده است، فرزند شریک خود را - برخلاف ازدواج‌های دگرجنس‌گرایانه - به فرزندخواندگی بپذیرد.

قوانین مربوط به دسترسی به والدین، عدم تقارن قابل توجهی بین مردان و زنان، هم به‌عنوان افراد مجرد و هم به‌عنوان زوج‌های همجنس، ایجاد می‌کند، علی‌رغم این واقعیت که به‌طور رسمی درمان برای هر دو یکسان است.^۱

زنان می‌توانند بدون هیچ‌گونه مانع قانونی به لقاح مصنوعی دسترسی داشته باشند، چه مجرد باشند و چه با زن دیگری ازدواج کرده باشند. که این امکان به دلایل فیزیولوژیکی برای مردان امکان‌پذیر نیست.

اکثریت قریب به اتفاق زنانی که می‌خواهند مادری را با همسر خود به اشتراک بگذارند، ازدواج و لقاح با اسپرم از یک اهداکننده ناشناس را انتخاب می‌کنند؛ زیرا این تضمین می‌کند که هر دو زن در شرایط برابر در برابر قانون و در امن‌ترین حالت مادر شوند (Imaz, 2017, pp. 5-11) وابسته بودن به یک جنس مخالف در فرزندآوری بارزترین جلوه طبیعت اولیه مسیر والد شدن است و در هر صورت همجنس‌گرایان در این مرحله به جنس مخالف خود نیازند می‌شوند.

در شرایط به ظاهر مساوی، مردان همجنس‌گرا در پایین‌ترین پله از نردبان دسترسی به والدین شدن قرار دارند. آنها از دسترسی به والدین شدن از طریق ابزارهای بیولوژیکی از طریق فرزندخواندگی و از طریق فناوری‌های کمک باروری منع می‌شوند به این دلیل که بر اساس قوانین حاکم بر والدین، مادر شدن بدون پدر امکان‌پذیر است، درحالی‌که عکس آن، عملاً غیرممکن است این تبعیض به دلایل خاص تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناسی زن و مرد است.

از قانون باروری ۱۹۸۸ - اسپانیا به زنان، به‌تنهایی یا به‌عنوان بخشی از یک زوج همجنس، امکان مادر شدن را از طریق لقاح مصنوعی از یک اهداکننده ناشناس ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه یک زن مجرد می‌تواند به این روش‌ها دسترسی داشته باشد، فرزندان که از طریق این روش‌ها به دنیا می‌آیند، کودکانی هستند که تنها یک فرزندخواندگی دارند: فرزندخواندگی مادر. این موضوع برخلاف فرانسه، جایی که بحث‌های عمده‌ای در مورد آسیب یا عواقبی که محرومیت از شخصیت پدر می‌تواند

۱. قانون به زوج‌های لزبین اجازه می‌دهد از روشی به نام روپا ۱۱ (که این روش شامل کاشت جنین در رحم یک زن است که از طریق IVF تخمکی که از همسرش به‌دست آمده و با اسپرم اهداکننده ناشناس تلقیح شده است) استفاده کنند (Imaz, 2017, pp. 5-11).

برای فرزندان ایجاد کند یا نیاز به یک رابطه سه‌گانه به منظور تضمین رشد سالم کودک وجود داشته باشد، وجود دارد و سلامت کودکان به فرزندخواندگی پذیرفته شده توسط این نوع از هم‌زیستی‌ها را تهدید نماید. در این رابطه اولین سولروت^۱ (۱۹۹۳) از «خسوف پدران» صحبت کرد تا به این موضوع اشاره کند که چگونه در پیکربندی مجدد خانواده در جوامع نوین، پدران جایگاهی را که به‌طور سنتی به آنها اختصاص داشت؛ از دست داده‌اند، بدون اینکه این فقدان منجر به تخصیص مجدد فضای جدیدی برای آنها شود.

در این پیکربندی مجدد خانواده، زنان اغلب خودکفا هستند و قادر به برآوردن نیازهای خانواده به‌تنهایی می‌باشند و به‌عبارتی که سولروت ابداع کرده است، به «جنس اولیه والدین» تبدیل می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، در اعطای نظام‌مند حضانت فرزند به مادر در مراحل طلاق، زنان خانواده ایجاد می‌کنند (Alberdi Alonso, 1999, pp. 157-190). خانواده متشکل از یک زن و یک مرد که در برخی اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، به‌دلیل ویژگی‌های خاص فیزیولوژیکی و روان‌شناسانه توانمندی والد شدن را با سیر مسیر طبیعی دارند؛ اما هر گونه انحرافی از این مسیر دولت‌ها را به چالش‌های متعددی دچار می‌نماید که بعضاً منجر به وضع قانون‌های نابرابر با هدف ایجاد برابری بین خانواده طبیعی و سایر اتحادهای مدنی می‌شود؛ قوانینی که برای مردان همجنس‌گرا سخت‌گیرانه‌تر اعمال می‌شود تا حدی که بعضاً پدر شدن آنها را ناممکن می‌سازد در واقع تلاش برخی کشورها در جهت اعطای حق والد شدن به این اشکال نوظهور به‌صورت برابر بین همه گروه‌ها اجرایی نمی‌شود و قوانین فرزندپذیری و مادری ساده‌تر از گروه‌های هم‌جنس مرد است.

۵-۶. قاعده سببیت و قاعده بالذات در سنجش سلامت فرزندان اتحادهای مدنی همجنس‌گرا

در بحث حق بر سلامت از ابعاد مختلف و با امعان نظر به این مهم که با مبنا قراردادن اسناد حقوق بشری در خصوص افراد، با این پیش‌فرض که هدف حفظ منافع کودکان است؛ باید به این پرسش پاسخ داد که همجنس‌گرا بودن والد یا والدین با توجه به اینکه در کنار هم قرار گرفتن دو هم‌جنس به‌عنوان زوج، خلاف طبیعت بشری است آیا برای کودک مضر است و به سلامت جسم یا روح و یا هویت او آسیب می‌رساند؟

1. Évelyne Sullerot

(Carter, 2006, p. 210) در پاسخ به این سؤال اگرچه بررسی موردی نسبت به همه ابعاد مختلف سلامت روان در پرونده‌های مختلف رسیدگی شده، یافت نشده، اما به‌طور کلی و درخصوص حق بر سلامت، به رویه عملی محاکم دادرسی ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود که برای سنجش این مهم به یکی از دو روش سنجش سببیت^۱ یا قاعده بالذات^۲ توسل می‌شود. به این دلیل که با توجه به کامن‌لا بودن نظام حقوقی آمریکا وجود یک رأی در آرای داوری نیز می‌تواند مبنای صدور سایر آراء قضایی در سایر محاکم گردد. در برخی پرونده‌ها از ابتدا دادگاه از ورود به ماهیت دعوا خودداری کرده و دعوا را رد نموده است؛ به‌عنوان مثال، دادگاه عالی فیلادلفیا در خصوص فرزندپذیری اتحادهای مدنی مردان به این شیوه برخورد کرده است (The Associated Press, 2005). در برخی موارد با استدلال عدم شناسایی موضوع توسط قانون به رد دعوا پرداخته مانند موردی که یک زوج همجنس‌گرای زن که در کالیفرنیا ازدواج کرده بودند، به‌دنبال فرزندخواندگی برای فرزند بیولوژیکی خود بودند. دادگاه استیناف مدنی آلاباما درخواست آن‌ها را رد کرد، به این علت که قانون آلاباما ازدواج این زوج را به رسمیت نمی‌شناسد (Same Sex Adoption Cases, 2021). به‌صورت کلی به نظر می‌رسد قضات در قاعده سببیت به بررسی شواهدی که ممکن است همجنس‌گرایی والدین منجر به آسیب‌دیدگی کودکان بشوند می‌پردازند؛ در آرای که مبنای سنجش قاعده سببیت است؛ قضات بدون در نظر داشتن ابعاد مختلف سلامت، بعضاً اشاراتی به یک یا دو مورد از ابعاد سلامت داشته‌اند. مطابق با چهارچوب سنجش سببیت، قاضی تمامی ادله و شواهد موجود در جهت بررسی منفی گرایش جنسی والد یا والدین کودک را به کار می‌گیرد؛ در صورتی که شواهدی دال بر آسیب دیدگی روانی یا جسمانی و... کودک، ناشی از گرایش جنسی والدین مشاهده شود، دادگاه بلافاصله حق حضانت یا فرزندخواندگی را سلب می‌کند. بار اثبات این امر بر عهده والد دگرجنس‌گرا است؛ به‌عنوان مثال، در قضیه لین علیه لین^۳ دادگاه به‌واسطه آسیب روحی طفل از گرایش جنسی والد همجنس‌گرا، حق حضانت بعد از طلاق را از وی سلب نمود (Haney-Caron & Heilbrun, 2014, p. 20). در روش دوم یعنی استفاده از قاعده بالذات دادگاه بر این امر تمرکز می‌کند، که آیا رفتار و منش والد همجنس‌گرا به‌خودی‌خود، منفی است و لازم نیست تأثیر آن بر

1. Nexus Test

2. Per Se Rule

3. Layne v. Layne

کودک به اثبات برسد؟ این رویکرد در حال حاضر در ایالت ویرجینیا استفاده می‌شود. در قضیه روه علیه روه^۱ دیوان عالی ویرجینیا در نهایت چنین رأی داد که: «رفتارهای غیراخلاقی و نامشروع پدر همجنس‌گرا؛ وی را به سرپرستی نامناسب برای فرزندانش بدل کرده است...» (Doerhoff, 1999, pp. 959-960). استدلال مقوم این رأی می‌تواند تحکیم‌کننده اصل مدعای مطرح شده در خصوص اثبات عدم صلاحیت اتحادهای مدنی در پذیرش فرزند باشد. چراکه در این رأی نفس عمل همجنس‌گرایی به‌عنوان عمل غیراخلاقی و نامشروع در نظر گرفته شده است.

در همین راستا، استون^۲ (۲۰۱۹) با جمع‌آوری تبلیغات کمپین از سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۳ دریافت که «کودکان با مادر و پدر از عملکرد بهتری برخوردار خواهند بود» او در رهبری مخالفان از سال ۲۰۰۰ به بعد نقش اساسی داشت. اگرچه آنچنان که بیان شد؛ نگرش‌ها در مورد حقوق همجنس‌گرایان به‌طور قابل توجهی آزاداندیش شده است، بسیاری از مردم در ایالات متحده هنوز در مورد عواقب برابری ازدواج برای فرزندان که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، اطمینان کافی ندارند. ترکیب اجتماعی - جمعیت‌شناختی زوج‌های همجنس مستقیماً با الگوی پیامدهای سلامتی در میان کودکان خانواده از طریق ساختاردهی دسترسی آنها به منابع و مزایای حمایت‌کننده سلامت مرتبط است (Cenegy; Denney & Kimbro, 2017, pp. 8-21).

هر چند در برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده شده است که کودکان تربیت‌یافته توسط والدین غیرهمجنس، همانند کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، در طیفی از عامل‌های سنجشی قرار دارند، از جمله سلامت، مهارت‌های اجتماعی مشکلات رفتاری بهزیستی روان‌شناختی و آموزش قرار دارند. شایان ذکر است تقریباً یک‌چهارم فرزندان خانواده‌های زوج‌های همجنس در فقر زندگی می‌کنند (Goldberg; Gartrell & Gates, 2014, pp. 1-37). این عامل در کنار سایر عوامل احتمالی تهدید سلامت مانند استرس اقلیت، بالاتر بودن آمار خودکشی و... جهت ارزیابی حق بر سلامت فرزندان این اتحادها ضروریست که مورد توجه قرار گیرد.

علاوه‌براین، بسیاری از زوج‌های همجنس که فرزندان خود را بزرگ می‌کنند، ممکن است انواع مختلفی از هم‌زیستی را تشکیل دهند که در آن کودکان تحت پوشش بیمه سلامت متفاوتی قرار دارند و با این طرح‌های بیمه متفاوت که از طریق

1. Roe v. Roe

2. Stone

پوشش‌های مختلف (یعنی دولتی، خصوصی یا بیمه مبتنی بر کارفرما)، به مراقبت‌های بهداشتی کودکان می‌پردازند و با توجه به نوع هم‌زیستی‌ها نوع حمایت این بیمه‌ها نیز متفاوت می‌شود. مدیریت این مسائل برای زوج‌های همجنس که در یک سیستم مراقبت بهداشتی که در آن احساس برچسب‌زنی یا انگ‌زنی می‌کنند؛ یا وضعیت سرپرستی قانونی آنها به چالش کشیده می‌شود، ممکن است دشوار باشد (Goldberg; Gartrell & Gates, 2014, pp. 1-37). هرچند شواهد محدودی که تا به امروز در مورد سلامت کودکان در خانواده‌های زوج‌های همجنس وجود دارد، نشان می‌دهد که منابع اجتماعی - اقتصادی به‌تنهایی برای رفع کمبودهای سلامت در میان کودکانی که با شرکای همجنس زندگی می‌کنند نسبت به شرکای متأهل با همجنس‌های متفاوت کافی نیست.

البته افزایش پذیرش اجتماعی و سیاسی روابط همجنس‌گرایان در دهه‌های اخیر ممکن است با محیط‌های حمایت‌کننده‌تر که در آن زوج‌های همجنس می‌توانند خانواده بسازند هم‌زمان باشد (Biblarz & Savci, 2010, pp. 480-497). این مسئله ممکن است تبعیض اقتصادی خانواده‌های زوج همجنس را به دلیل وضعیت اقلیت جنسی خود کاهش دهد، اما با مبنای قراردادن قاعده بالذات (Amanda K. & Dudley, 2011, pp. 1005-1031)، اگر اصل مسئله تربیت و رشد کودکان در اتحادیه‌های مدنی همجنس مدنظر قرار داده شود، سایر حمایت‌ها نیز در گستره همین نحوه تفکر اشاعه خواهند شد؛ بنابراین هرچند سایر حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی یا... در جهت ایجاد برابری اتحادیه‌های مدنی در تلاش باشند، اصل موضوع تحت رشد و تربیت قراردادن یک کودک در این نوع از اتحادیه‌های مدنی تغییری نمی‌کند، چراکه با مدنظر قراردادن هدف برابری در توسعه پایدار تنها عرضیات مسئله برطرف می‌شود و این اتحادیه‌ها با سهولت بیشتری امکان زندگی خواهند داشت و شاید روزی در برابری کامل با خانواده‌های دگر جنس قرار گیرند که این نوشتار قصد ورود به این مبحث را ندارد، اما شواهدی که حکایت گردید و در مطالب آتی مستدل می‌شود، به مسئله اصلی نگاه به موضوع رشد کودک در این اتحادیه‌ها اشاره داشته، چراکه مسئله فرزندپذیری یکی از کارکردهای اصلی «خانواده طبیعی» است. علاوه بر اینکه با توجه به نیاز کودک به دو جنس در جهت رشد و تکامل وجود دو شخص همجنس جهت تربیت کودک موجبات رشد و تکامل او را به نحو احسن فراهم نمی‌آورد. کودک جهت رشد تمام و کمال نیازمند وجود یک زن به‌عنوان مادر با تمامی ویژگی‌های یک زن و به وجود پدر با تمامی ویژگی‌های یک مرد در کنار خود نیاز دارد.

۵-۷. حق بر آموزش کودکان در اتحادهای مدنی همجنس‌گرا

در این رابطه پژوهش‌های مختلف نتایج مختلفی را دلالت دارند و در نتایج متفاوت. روزنفلد (ROSENFELD, 2010, pp. 755-775) از داده‌های سرشماری (۲۰۰۰) ایالات متحده استفاده کرد و دریافت که کودکانی که والدین همجنس دارند، به همان اندازه احتمال پیشرفت عادی در مدرسه را دارند؛ که کودکان دارای والدین متفاوت جنسی امکان پیشرفت دارند.

باین‌حال، آلن، پاکالوک و پرایس (Douglas; Pakaluk & Price, 2014)، با استفاده از داده‌های مشابه روزنفلد (ROSENFELD, 2010, pp. 755-775)، ارتباط منفی بین والدین همجنس و پیشرفت تحصیلی را تخمین زدند، اما آنها از روشی متفاوت برای محاسبه وضعیت اجتماعی - اقتصادی استفاده کردند.

به‌طور مشابه، با استفاده از داده‌های سرشماری کانادا در سال ۲۰۰۶، آلن (Allen; Walker & Renee McCann, 2013, pp. 139-158) تخمین زد که احتمال فارغ‌التحصیلی از دبیرستان در کودکانی که والدین همجنس دارند کمتر از کودکانی است که والدینشان با جنس متفاوت است. اخیراً، واتکینز (Watkins, 2018, pp. 799-821) در جامعه آمریکا پیشرفت در مدرسه را به‌عنوان یک نتیجه مورد تجزیه و تحلیل مجدد قرار داد و هیچ تفاوت قابل توجهی بین کودکان همجنس‌گرا در مقابل والدین با جنس‌های متفاوت پیدا نکرد. بوئرتین و برناردی (Boertien & Bernardi, 2019, pp. 477-501) با گسترش تحلیل‌ها از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵، این یافته‌ها را تأیید کردند و هیچ تفاوتی بین کودکان همجنس‌گرا در مقابل والدین متفاوت، صرف‌نظر از اینکه وضعیت اجتماعی - اقتصادی چگونه محاسبه می‌شود، پیدا نکردند. اگرچه این مطالعات از نمونه‌های بزرگ استفاده می‌کنند، اما داده‌های سرشماری تنها تصویری مقطعی از ساختار خانواده را ارائه می‌دهند. در نتیجه، این مطالعات عملکرد مدرسه کودکانی را که از بدو تولد توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، تجزیه و تحلیل نمی‌کند، بلکه عملکرد مدرسه کودکانی را که در هر مقطع زمانی با والدین همجنس زندگی می‌کردند، بررسی می‌کند. در نتایج کلی در خصوص این مسئله، این یک محدودیت مهم است؛ زیرا بسیاری از کودکان پس از جدایی والدین از شریک جنسی متفاوت با یک زوج همجنس زندگی می‌کنند و بنابراین از بدو تولد توسط والدین همجنس بزرگ نشده‌اند. علاوه‌براین، جدایی والدین ممکن است تأثیر منفی مستقلی بر نتایج مدرسه داشته باشد. در نتیجه،

مطالعات مبتنی بر این داده‌ها ممکن است به اشتباه ضریب منفی را به زندگی با والدین همجنس نسبت دهند؛ زیرا ارتباطها ممکن است به سمت پایین سوگیری کنند. چندین دیدگاه نظری از حوزه‌های جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد دلالت دارد که کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند احتمالاً عملکرد بدتری در مدرسه دارند.

در همین راستا اشاره به چند نظریه راهگشا می‌باشد؛ اول، نظریه تخصص دلالت دارد بر اینکه کودکان ممکن است به پدر و مادری از هر جنس نیاز داشته باشند؛ زیرا والدین در سبک‌های فرزندپروری متفاوتند و مادران و پدران مهارت‌های متفاوتی را آموزش می‌دهند (Allen; Walker & Renee McCann, 2013, pp. 139-158). با توسل به این فرضیه می‌توان نیازهایی که با وجود دو جنس در کنار کودک برطرف می‌شود را با زمانی که کودک در یک اتحاد همجنس قرار دارد، مقایسه نمود.

دوم، نظریه انتخاب خویشاوند استدلال می‌کند؛ از آنجایی که والدین بار اقتصادی، جسمی و روانی را در تربیت فرزندان متحمل می‌شوند، رفتار تبعیض‌آمیزی از خود نشان می‌دهند و بیشتر روی کودکان بیولوژیکی سرمایه‌گذاری می‌کنند (Hamilton, 1964, pp. 1-16). نظریه تبعیض دلالت دارد بر اینکه والدین همجنس ممکن است به دلیل تمایلات جنسی خود با عوامل استرس‌زای بیشتری مواجه شوند مانند انگ مداوم از سوی جامعه و بازخورد منفی از طرف خانواده و دوستان، که صحت نقش‌های آن‌ها را به‌عنوان والدین زیر سؤال می‌برند و علاوه بر بُعد روانی بعد اجتماعی سلامت آن‌ها نیز با خلل مواجه می‌شود. این موضوع علاوه بر والدین سلامت اجتماعی کودکان در اتحاد‌های مدنی همجنس را نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عنوان مثال، برخی دانشمندان در پژوهش‌های خود دریافتند که مدارس در تعامل با والدین همجنس نسبت به والدین دگرجنس با تردید برخورد می‌کنند. فرزندان والدین همجنس ممکن است تحت تأثیر تبعیض والدین خود قرار گیرند و در نتیجه عملکرد بدتری در مدرسه داشته باشند. فرزندان والدین همجنس نیز می‌توانند تبعیض را مستقیماً با آزار و اذیت در مورد گرایش جنسی والدین خود تجربه کنند. اگرچه که بیان شده فرزندان والدین همجنس زن دارند؛ دوز دو برابری مادری را دریافت می‌کنند، اما آنها از نعمت پدر محروم هستند هر چند برخی دانشمندان معتقدند که والدین همجنس زن به نسبت والدین همجنس مرد و دگرجنس زمان بیشتری را با فرزندان خود می‌گذرانند. به‌همین علت نظریه جبران خسارت دلالت دارد که کودکانی که توسط والدین همجنس بزرگ شده‌اند، احتمالاً اگر گفته نشود

بهتر؛ به اندازه کودکان والدین دگرجنس، حتی در صورت تبعیض نسبت به زوج‌های همجنس، عملکرد خوبی خواهند داشت (Mazrekaj; De Witte & Cabus, 2020, pp. 830-856). باوجوداین، این مسئله در صورت صحت تنها یک بعد از ابعاد نیازهای فرزندخواندگان والدین همجنس را دربرمی‌گیرد. لیکن با وجود نتایج تحقیقات اشاره شده؛ حتی اگر توجه والدین زن را در مواجهه با مسائل تحصیلی و آموزشی کودکان مورد توجه قرار دهیم، اما از مواجهه مداوم این افراد با جامعه و گروه دوستان و خویشان امکان غفلت نیست و مسئله انگ‌زنی و تحت تأثیر قرار گرفتن بعد سلامت اجتماعی و روانی این افراد همواره در تحقیقات باید مدنظر قرار داده شود؛ زیرا کودکی که برخلاف رویه عموم اجتماع همواره با دو زن و یا دو مرد به‌عنوان والدین خود در اجتماعات مختلف حضور می‌یابد، ناگزیر از تحمل برچسب‌هایی است که به او منتسب می‌شود و این کودک است که بار سنگین روانی این موضوع را چه‌بسا از ابتدای سال‌های رشد متحمل می‌شود و از نظر روانی و اجتماعی آسیب می‌بیند؛ بنابراین قانون‌گذار در تلاش در جهت ایجاد برابری و اعطاء حق والد شدن به اتحاد‌های مدنی از آسیب‌های عمده‌ای که کودکانی که بدون حق انتخاب در این اتحادها قرار گرفته‌اند، چشم‌پوشی نموده و موجب به خطر انداختن حق بر سلامت این فرزندخواندگان شده است. به‌همین علت و با هدف حفظ حقوق کودکان ضرورت دارد قانون‌گذار با نگاهی وسیع به حمایت از خانواده و اتخاذ سیاست‌گذاری‌های حمایتی، به وضع قوانینی بپردازد که از گسترش فرزندان در این نوع اتحادها ممانعت به عمل آورد.

۵-۸. هویت جنسی کودک در اتحاد‌های همجنس‌گرا

مسئله مصلحت کودک در مواجهه با والدین همجنس‌گرا به نگرانی‌هایی در حوزه هویت جنسی، مشکلات روان‌پزشکی و سوءاستفاده جنسی دامن می‌زند (Garnets & Kimmel, 2003, p. 537). یعنی در معرض آسیب قرار گرفتن بعد سلامت روانی، جسمی و اجتماعی این کودکان به نحو توأمان.

آنچنان که در آراء داوری ملاحظه شد، یکی از موضوع‌هایی که در خصوص کودکان خانواده‌های همجنس‌گرا مطرح می‌شود مسئله هویت جنسی ایشان است. مخالفان همجنس‌گرایی بر این باورند که تمایلات جنسی والدین در خانواده‌های همجنس سبب می‌شود کودک به همجنس‌گرایی گرایش یابد (Mallon, 2004, p. 13). بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بر این باورند که روابط میان والدین

نقش مؤثری در شکل‌گیری و رشد ابعاد اجتماعی، عاطفی، شناختی، رفتاری و جسمانی کودک دارد (Reynolds; Houlston; Coleman & Harold, 2014, p. 1) و البته بعد سلامت معنوی اگرچه مورد بررسی قرار نگرفته است در همین طبقه‌بندی و بررسی قرار خواهد گرفت.

باوجوداین چگونه می‌توان نقش والدین در شکل‌گیری هویت و گرایش جنسی را انکار کرد؟ بی‌تردید کودکی که در قالب الگوی همجنس‌گرا رشد می‌کند با کودکی که در محیط خانواده طبیعی تربیت می‌گردد، هویت‌ها و گرایش‌های جنسی متفاوتی را تجربه می‌کنند؛ چراکه اولی در فضایی رشد می‌کند که فاقد یکی از جنسیت‌های طبیعی و بالتبع هویت جنسی کامل است و دیگری با درک مختصات هر دو جنسیت، هویت جنسی و جنسیتی طبیعی را فهم می‌کند. این مسئله می‌تواند در تفسیر اصل مصلحت‌عالیه کودک مورد توجه قرار گیرد (Victoria, 2001, p. 560).

باتوجه به گروه‌های مختلف موافق و مخالف قاعداً وحدت رویه‌ای در این خصوص وجود ندارد، اما علاوه بر آرائی که سابقاً به آن‌ها اشاره شد به چند مورد دیگر اشاره می‌شود، قضیه بنت علیه اورورک^۱ (۱۹۸۵) که در طی آن دادگاه حضانت را از مادر همجنس‌گرا به واسطه نقش وی در تعلیم گرایش جنسی خود سلب نمود. قاضی پرونده در ادله رد دعوای خواهان چنین ذکر نمود که: «با توجه به این حقیقت که در اینجا والد همجنس‌گرا و کودک صغیر هر دو مؤنث هستند، دادگاه بر این باور است که این مسئله می‌تواند به صورت ویژه بر کودک اثرگذار باشد چراکه امکان الگوگیری دختر بچه را افزایش می‌دهد...»^۲.

پسینیک^۳ و استارک^۴ در گزارشی برای یونیسیف با عنوان «نقش والدگری بر مصلحت‌عالیه کودک و حمایت از والدین کودکان»^۵ می‌گویند: «والدین در حوزه رفتاری، عاطفی و ارتباطی اجتماعی با دیگران، نقش الگو را برای فرزندان خود ایفاء می‌کنند. کودکان از والدین خود می‌آموزند و اصول اخلاقی، شیوه حل مسائل و رفتارهای اجتماعی را شکل می‌بخشند» (Pećnik & Starc, 2010, p. 17). (در این موضوع تلویحاً مسئله سلامت معنوی کودکان نیز مورد اشاره قرار داده شده است).

1. Bennett v. O'Rourke

2. "In light of the fact that here the homosexual parent and the minor child are both female, we consider this factor particularly important because of the increased chance of role-modeling..."

3. Pećnik

4. Starc

5. Parenting in the Best Interests of the Child and Support to Parents of the Youngest Children

مشابه رأی مذکور در قضیه جی.ای. علیه اف.جی.دی^۱ مجدداً صادر شد. دادگاه بدوی حق حضانت را از مادر بیولوژیک همجنس‌گرا سلب نمود و در نهایت دیوان عالی ایالت میزوری نیز با تأیید رأی دادگاه بدوی اعلام کرد که مبنای قانونی این رأی تناقض میان گرایش جنسی مادر با سلامت فرزندان می‌باشد (Doerhoff, 1999, pp. 951-953).

این موضوع یکی از مهم‌ترین استندهایی است که در رد فرزندپذیری اتحادهای همجنس‌گرا می‌توان بیان نمود، در این نمونه علاوه بر اینکه دادگاه ورودی به سایر حقوق همجنس‌گرایان نداشته است، اما مسئله فرزندپذیری این گروه‌ها را کاملاً مجزا بررسی کرده است چراکه فی‌الواقع منفعت و مصلحت کودک به‌عنوان شخصی مستقل باید مطمع‌نظر قرار داده شود.

نتیجه‌گیری

این خانواده طبیعی است که بستر مناسبی جهت دستیابی به آموزش، رهایی از فقر و دسترسی به سلامت و سایر اهداف توسعه‌پایدار را فراهم خواهد آورد و اساساً هر آنچه خلاف این سیر طبیعی و فطری باشد، انحراف از کانونی محسوب می‌شود که اساس ساخت جامعه است. با وجود این تفاوت در مبانی فلسفی، فرهنگی، اعتقادی و... کشورهای مختلف، تفاوت در دیدگاه‌ها و مصادیق را در جامعه بین‌المللی کنونی رقم می‌زند و به همین دلیل است که رویه واحدی در خصوص آرای قضایی و عملکرد دولت‌ها مشاهده نمی‌شود. برخی از کشورها نیز مانند جمهوری اسلامی ایران اساساً به دلایل متعدد امکان اجرایی‌سازی اهداف ۱۷گانه سند توسعه پایدار را در کشور خود ندارند، به این دلیل که سند توسعه پایدار لزوماً برای یک کشور تدوین نشده است، اما با امعان‌نظر به اهمیت خانواده طبیعی و میزان تأثیرگذاری آن در سایر ارکان اجتماع و باتوجه به عدم وحدت رویه در خصوص تعریف دقیق خانواده و ابعاد آن به‌نظر می‌رسد معیار قرار دادن یک نوع خانواده به‌عنوان خانواده طبیعی می‌تواند علاوه بر اینکه مصلحت طفل را در خانواده تأمین کند و رویه بین‌المللی یکسانی را هم به‌وجود بیاورد؛ بنابراین چه با مبنا قرار دادن قواعدی که در موارد فوق به آنها اشاره شد و چه برخی آرای صادره در محاکم، که به عدم تشابه خانواده طبیعی و اتحادهای مدنی اذعان داشته‌اند؛ مصلحت فرزندان در اتحادهای مدنی قابل خلل است، به این دلیل که این کودکان در هویت جنسی، مسائل اجتماعی، آموزش و... در معرض دوگانگی، تحدید و تعرض می‌باشند و اساساً وجود زن و مرد در کنار کودک باعث بهره‌مندی او از همه ظرفیت‌های دو جنس می‌شود و رشد و هویت

1. JA.D. v. F.J.D (1998)

جنسی کامل‌تری خواهد داشت، همچنین منابع اجتماعی - روان‌شناختی حکایت از آن دارد که افراد دوجنسه در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت روان، به‌ویژه افسردگی و خودکشی قرار دارند و مسئله مصلحت کودک در مواجهه با والدین همجنس‌گرا به نگرانی‌هایی در حوزه هویت جنسی، مشکلات روان پزشکی و سوء استفاده جنسی دامن می‌زند؛ بنابراین با توجه به اصل برابری به‌عنوان یکی از اصول ثابت حقوق بشری، در صورت اعطای برخی حقوق به اتحادهای مدنی، به‌عنوان گروه‌هایی که در جوامع فعلی زندگی می‌نمایند؛ فرزندخواندگی با همه جهاتی که منتهی به مصلحت کودک می‌شود؛ نباید به‌عنوان یک حق در اتحادهای مدنی محسوب گردد؛ زیرا با وجود تفاوت ماهوی در شاکله اصلی خانواده طبیعی به دلیل حضور دو جنس متفاوت در کنار یکدیگر، اصالتاً امکان ایجاد برابری بین این کانون و سایر هم‌زیستی‌ها وجود ندارد که در تعاقب آن در تلاش برای ایجاد برابری حقوقشان باشیم. بدین جهت و با در نظر گرفتن وضعیت‌های نامطلوب جدیدالوقوع در سایر کشورها مانند وضعیت نارسایی جنسی^۱ (که وضعیت پریشانی روانی به دلیل عدم تطابق بین هویت جنسی و جنسیت بیولوژیکی است) پیشنهاد می‌شود:

- ۱- باتوجه به اسناد متعدد الزام‌آور و غیرالزام‌آور بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مفاهیم متعالی هر سند را به‌صورت داخلی بازنویسی نموده و به‌صورت اسنادی بومی، بالحاظ جمیع شرایط کشور اجرایی نماید.
- ۲- نظام آموزشی علاوه بر آگاهی دادن به خانواده‌ها در خصوص تهدیدهای پیش‌رو، راه‌حل‌های مسئله را قبل از وقوع ارزیابی نماید.
- ۳- جمهوری اسلامی ایران باتوجه به اسناد مترقی بالادستی حمایت از خانواده مانند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، اصول و مبانی سیاست‌های تحقیقاتی مسائل زنان، سیاست‌های کلی خانواده، راهبردهای داخلی حفظ و تکریم خانواده، می‌تواند تهدید همجنس‌گرایی به‌عنوان یکی از اشکال انحرافی از مسیر خانواده طبیعی را نیز مورد تدقیق قرار دهد و در خصوص راه‌های مقابله با آن قبل از وقوع و افزایش بازاندیشی نماید.
- ۴- جمهوری اسلامی ایران باتوجه به مبانی فرهنگی اسلامی و تمدنی خود به ارائه مدل خانواده طبیعی به جهت رسمیت‌بخشی به آن در محیط بین‌الملل و همراه نمودن سایر کشورها در جهت حمایت از خانواده طبیعی که مورد پذیرش همه ادیان الهی است بپردازد.

فهرست منابع

- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۱). *نقد مبانی فلسفی حقوق بشر*. تهران: مخاطب.
- جهانی‌پور، محمدرضا و توحیدی، احمدرضا (۱۴۰۰). جایگاه «توسعه پایدار» در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رویه دولت‌ها. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۶۴۱-۶۶۰، (۲)۵۱.
- دبلیو سانتراک، ج (۱۳۸۳). *زمینه روانشناسی سانتراک*. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دنی، نانسی دبلیو (۱۳۹۶). *جنسیت انسانی: همه چیز درباره مسائل جنسی انسان*. تهران: ثالث.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). *لغتنامه دهخدا*. تهران: سیروس.
- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۳). *خانواده در اسناد حقوقی بین‌المللی حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات راه رشد.
- غمامی، سید مهدی و مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰). *فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی*، ۲۴(۱)، ۶-۳۲.
- مرعشی، سید علی (۱۳۹۵). *نقد حذف خودارضایی و همجنسگرایی از فهرست اختلالات جنسی در DSM*. *نشریه مطالعات تحول در علوم انسانی*، ۷(۷)، ۲۷-۸.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ نامه فارسی معین*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). *حمایت از نهاد خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر*.
- موسوی، سیدفضل‌الله و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۹). *بررسی جایگاه خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر*. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۲)، ۴۹۱-۵۱۱.
- Alberdi Alonso, I. (1999). *La nueva familia española*. Taurus. España: Taurus.
- Allen, K. R.; Walker, A. J. & Renee McCann, B. (2013). *Handbook of marriage and the family: Third edition (Feminism and Families)*. Springer.
- Amanda K, B. & Dudley L, P. (2011). The Economic Cost of Homosexuality: Multilevel Analyses. *SOCIAL FORCES Journal*, 1005-1031.
- Aquinas, St. Thomas (1964). *Summa Theologia*. Cambridge: Blackfriars.

- Baumrin, B. (1984). *Sexual Immorality Delineated in Robert Baker and Frederick Elliston, eds.* New York: Buffalo.
- Biblarz, T. & Savci, E. (2010). Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender Families. *Journal of Marriage and Family*, 480-497.
- Boertien, D. & Bernardi, F. (2019). Same-Sex Parents and Children's School Progress: An Association That Disappeared Over Time. *Demography*, 56(2), 477-501.
- Carter, K. J. (2006). The Best Interest Test and Child Custody: Why Transgender Should Not Be a Factor in Custody Determinations. *Health Matrix: The Journal of Law-Medicine*, 16(1), 209-236.
- Cenegy, L.; Denney, J. & Kimbro, R. (2017). Family Diversity and Child Health: Where Do Same-Sex Couple Families Fit? *Journal of Marriage and Family*, 1-21.
- Dhar, N.; Chaturvedi, S. & Nandan, D. (2013). Spiritual health, the fourth dimension: a public health perspective. *WHO South-East Asia Journal of Public Health*, 2(1), 3-5.
- Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology*, 33(8), 813– 822.
- Doerhoff, H. C. (1999). Assessing the Best Interests of the Child: Missouri Declares That a Homosexual Parent Is Not Ipso Facto Unfit for Custody. *MISSOURI LAW REVIEW*, 64(4), 949-986.
- Douglas, A. W.; Pakaluk, C. & Price, J. (2014). "Normal Progress through School: Further Results." In No Differences? How Children in Same Sex Households Fare: Studies from Social Science edited by A. Samuel. Princeton. *Witherspoon Institute.NJ.*
- Frisch, M.; Moseholm, E.; Andersson, M.; Bernhard Andresen, J. & Graugaard, C. (2019). Sexi Denmark. *Key findings from Project SEXUS 2017-*, 764.
- Ganna, A.; Verweij, K. J.; Nivard, M. G.; Maier, R.; Wedow, R.; Busch, A. S. & et al. (2019). Large-scale GWAS reveals insights into the genetic architecture of same-sex sexual behavior. *HUMAN GENETICS*, 365-882.
- Garnets, L. & Kimmel, D. (2003). *Psychological Perspectives on Lesbian, Gay, and Bisexual Experiences.* Columbia: Columbia University Press.
- GEARY, D. C. (1998). *Male, Female The Evolution of Human Sex Differences.* Washington: America Psychological Association.
- Goldberg, A.; Gartrell, N. & Gates, G. (2014). Research Report on LGB-Parent Families. *The Williams Institute*, 1-37.
- Gross, M. (2012). *Choisir la paternité gay.* Eres, Toulouse.
- Hamilton, W. D. (1964). The Genetical Evolution of Social Behaviour. *Journal of Theoretical Biology*, 7(1), 1-16.
- Haney-Caron, E. & Heilbrun, K. (2014). Lesbian and Gay Parents and Determination of Child Custody: The Changing Legal Landscape and Implications for Policy and Practice. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 19-29.
- Haviland, W. A.; Prins, H. E. & Bunny McBride, W. (2011). *Cultural*

- Anthropology: The Human Challenge*. Belmont. (A. Berg, Ed.) Yolanda Cossio.
<https://www.nbcnews.com/id/wbna6807912>
<https://www.who.int/about/governance/constitution>. (2022). Retrieved 10
 27, 2022, from <https://www.who.int>
<https://www.merriam-webster.com/dictionary/homosexual.2022.28.10>
 (accessed 17 4, 2023).
- Imaz, E. (2017). Same-sex parenting, assisted reproduction and gender asymmetry: reflecting on the differential effects of legislation on gay and lesbian familyformation in Spain. *reproductive biomedicine and society online*, 5-11.
- Kant, Immanuel (1963). *Lectures on Ethics*. Translated by Louis Infield. New York: Harper and Row.
- Kane, H. S.; Slatcher, R. B.; Reynolds, B. M.; Repetti, R. L. & Robles, T. F. (2014). Daily Self Kant, I. (1963). *Lectures on Ethics*. (L. Infield, Trans.) New York: Harper and Row.
- Kane, Heidi S.; Richard B. Slatcher, Bridget M. Reynolds, Rena L. Repetti & Theodore F. Robles (2014). Daily Self-Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology* (American Psychological Association), 33(8), 813-822.
- Mallon, G. (2004). *Gay Men Choosing Parenthood*. Columbia: Columbia University Press.
- Mazrekaj, D.; De Witte, K. & Cabus, S. (2020). School Outcomes of Children Raised by Same-Sex Parents: Evidence from Administrative Panel Data. *American Sociological*, 85(5), 830-856.
- Mill, J. (2021). Philosophy of Sexuality. (B. D. James Fieser, Ed.) *Internet Encyclopedia of Philosophy*.
- Pećnik, N. & Starc, B. (2010). *Parenting in the Best Interests of the Child and Support to Parents of the Youngest Children*. Geneva: UNICEF.
- Report of the United Nations Secretary-General. (2010). *A/66/62-E/2011/4*.
- Reynolds, J.; Houlston, C.; Coleman, L. & Harold, G. (2014). *Parental conflict: Outcomes and interventions for children and families*. Cambridge: Bristol University Press, Policy Press.
- Richardson, D.; Dugarova, E.; Higgins, D.; Hirao, K.; Karamperidou, D.; Mokomane, Z. & et al. (2020). *Families, Family Policy and the Sustainable Development Goals*. UNICEF Office of Research – Innocenti.
- Robles, T. (2014). Marital Quality and Health: Implications for Marriage in the 21st Century. *Current Directions in Psychological*, 427-432.
- ROSENFELD, M. J. (2010). NONTRADITIONAL FAMILIES AND CHILDHOOD PROGRESS THROUGH SCHOOL. *Demography*, (47), 755-775.
- Salfas, B.; Jonathon Rendina, H. & Parsons, J. T. (2019). What is the Role of the Community? Examining Minority Stress Processes among Gay

- and Bisexual Men. *HHS Author Manuscripts*, 4(3), 300-309.
- Slatcher, R. B. (2010). Marital Functioning and Physical Health: Implications for Social and Personality Psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 7(4), 455-469.
- UN Economic and Social Council. (2000, August 11). *General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant)*. Retrieved 10 28, 2022, from <https://www.refworld.org/>
<https://www.refworld.org/docid/4538838d0.html>
- Victoria, C. (2001). What about the children? Arguments against lesbian and gay parenting. *Women's Studies International Forum*, 24(5), 555-570.
- Watkins, C. S. (2018). School Progress Among Children of Same-Sex Couples. *Population Association of America*, 1-23.
- Woodward, R. & Winter, T. (2007). *Sexing the Soldier The politics of gender and the contemporary British Army*. New York: Routledge.

References

- Al Kajbaf, H. (2012). The concept and position of the right to health in international human rights documents. *Medical Law Quarterly*, 139-170.
- Alberdi Alonso, I. (1999). *La nueva familia española*. Taurus. España: Taurus.
- Allen, K. R., Walker, A. J., & Renee McCann , B. (2013). *Handbook of marriage and the family: Third edition (Feminism and Families)*. Springer.
- Amanda K, B. & Dudley L, P. (2011). The Economic Cost of Homosexuality: Multilevel Analyses. *SOCIAL FORCES Journal*, 1005-1031.
- Aquinas, St. Thomas (1964). *Summa Theologia*. Cambridge: Blackfriars.
- Baumrin, B. (1984). *Sexual Immorality Delineated* in Robert Baker and Frederick Elliston, eds. New York: Buffalo
- Bauwens, J. (2022, 5 22). www.frcblog.com/2022/03/transgenderism-has-science-problem/. Retrieved from family research council.
- Beckes, L., & Coan, J. A. (2011). Social baseline theory: The role of social proximity in emotion and economy of action. *Social and Personality Psychology Compass*, 976-988.
- Biblarz, T., & Savci, E. (2010). Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender Families. *Journal of Marriage and Family*, 480-497.
- Boertien , D., & Bernardi , F. (2019). Same-Sex Parents and Children's School Progress: An Association That Disappeared Over Time. *Demography*, 56(2), 477-501.
- Burman, B., & Margolin, G. (1992). Analysis of the Association Between Marital Relationships and Health Problems: An Interactional Perspective. *Psychological Bulletin*, 112(1), 39-63.

- Carter, K. J. (2006). The Best Interest Test and Child Custody: Why Transgender Should Not Be a Factor in Custody Determinations. *Health Matrix: The Journal of Law-Medicine*, 16(1), 209-236.
- Cenegy, L., Denney, J., & Kimbro, R. (2017). Family Diversity and Child Health: Where Do Same-Sex Couple Families Fit? *Journal of Marriage and Family*, 1-21.
- Dehkhoda, A. (1341). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Siros.
- Denny, N. W. & Cadagno, D. (2016). *Everything about human sexual issues, human sexuality*, Tehran: third.
- Dhar, N., Chaturvedi, S., & Nandan, D. (2013). Spiritual health, the fourth dimension: a public health perspective. *WHO South-East Asia Journal of Public Health*, 2(1), 3-5.
- Disclosure and Sleep in Couples. *Health Psychology*, 33(8), 813– 822.
- Doerhoff, H. C. (1999). Assessing the Best Interests of the Child: Missouri Declares That a Homosexual Parent Is Not Ipso Facto Unfit for Custody. *MISSOURI LAW REVIEW*, 64(4), 949-986.
- Douglas, A. W., Pakaluk, C., & Price, J. (2014). "Normal Progress through School: Further Results." In *No Differences? How Children in Same Sex Households Fare: Studies from Social Science* edited by A. Samuel. Princeton. Witherspoon Institute.NJ.
- Economic consequences of Marriage, Familyrelations and their dissolution under article 16 of the Convention ,(2013)CEDAW General Recommendation CEDAW/C/GC/29
- Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1987). The Impact of Attributions in Marriage: A Longitudinal Analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(3), 510-517.
- Fretté v. France, 36515/97 (The European Court of Human Rights February February 26, 2002).
- Frisch , M., Moseholm, E., Andersson, M., Bernhard Andresen, J., & Graugaard, C. (2019). Sexi Denmark. Key findings from Project SEXUS 2017-, 764.
- Ganna, A., Verweij, K. J., Nivard, M. G., Maier, R., Wedow, R., Busch , A. S., et al. (2019). Large-scale GWAS reveals insights into the genetic architecture of same-sex sexual behavior. *HUMAN GENETICS*, 365-882.
- Garnets, L., & Kimmel, D. (2003). *Psychological Perspectives on Lesbian, Gay, and Bisexual Experiences*. Columbia: Columbia University Press.
- GEARY, D. C. (1998). *Male, Female The Evolution of Human Sex Differences*. Washington: America Psychological Association.
- Ghamami, Seyyed Mehdi (2018). *Moghadami Khammami, Nilofar (2018). The fundamental challenges of the Islamic Republic of Iran in facing the Sustainable Development Document (2030 Document)*, *Islamic Government Scientific Research Quarterly*, 21(1), 6-32.
- Goldberg, A., Gartrell, N., & Gates, G. (2014). *Research Report on LGB-Parent Families*. The Williams Institute, 1-37.

- Gross, M., 2012. *Choisir la paternité gay*. Eres, Toulouse
- Habibi, A.; Ghobadi, N. & Gharanjad, G. (1383). *Sustainable Development in a Changing World: Transitional Institutions, Growth, and Quality of Life*. Country Management and Planning Organization, Vice President of Support Affairs, Center for Scientific and Publications.
- Hamilton, W. D. (1964). The Genetical Evolution of Social Behaviour. *Journal of Theoretical Biology*, 7(1), 1-16.
- Haney-Caron, E., & Heilbrun, K. (2014). *Lesbian and Gay Parents and Determination of Child Custody: The Changing Legal Landscape and Implications for Policy and Practice*. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 19-29.
- Haviland, W. A., Prins, H. E., & Bunny McBride, W. (2011). *Cultural Anthropology: The Human Challenge*. Belmont. (A. Berg, Ed.) Yolanda Cossio
- <https://www.merriam-webster.com/dictionary/homosexual.2022/28/10> (accessed 2023/4/17)
- <https://www.nbcnews.com/id/wbna6807912>
- <https://www.who.int/about/governance/constitution>. (2022). Retrieved 10 27, 2022, from <https://www.who.int/>.
- Imaz, E. (2017). Same-sex parenting, assisted reproduction and gender asymmetry: reflecting on the differential effects of legislation on gay and lesbian familyformation in Spain. *reproductive biomedicine and society online*, 5-11.
- Jahanipour, M. & Tawhidi, A. (1400). The position of "sustainable development" in international law with emphasis on the procedure of governments. *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 51(2), 641-660.
- Javed, M. (2011). *Criticism of the philosophical foundations of human rights*. Tehran: Address.
- Kane, H. S., Slatcher, R. B., Reynolds, B. M., Repetti, R. L., & Robles, T. F. (2014). *Daily Self Kant, I. (1963). Lectures on Ethics*. (L. Infield, Trans.) New York: Harper and Row
- Kane, Heidi S.; Richard B. Slatcher, Bridget M. Reynolds, Rena L. Repetti, & Theodore F. Robles (2014). *Daily Self-Disclosure and Sleep in Couples*. *Health Psychology (American Psychological Association)* 33, no. 8 , 813-822.
- Kant, Immanuel (1963). *Lectures on Ethics*. Translated by Louis Infield. New York: Harper and Row.
- Kerkhoven and Hinke v. the Netherlands, 15666/89 (The European Commission of Human Rights May 19, 1992).
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). *Marriage and Health: His and Hers*. *Psychological Bulletin*, 127, 472-503.
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). *Marriage and health: His and hers*. *Psychological Bulletin*, 127(4), 472-503.
- L. FEDEWA , A., W. BLACK, W., & AHN, S. (2015). *Children and Adolescents With Same-Gender Parents: A Meta-Analytic Approach in*

- Assessing Outcomes. *Journal of GLBT Family Studies*, (11), 1–34.
- LIU, H., & UMBERSON, D. J. (2008). The Times They Are a Changin': Marital Status and Health Differentials from 1972 to 2003. *Journal of Health and Social Behavior*, 49, 239–253.
- Mallon, G. (2004). *Gay Men Choosing Parenthood*. Columbia: Columbia University Press.
- Marashi, Seyed Ali (2015). Criticism of removing masturbation and homosexuality from the list of sexual disorders in DSM. *Journal of Evolution Studies in Human Sciences*, (7), 8-27.
- Mazrekaj, D., De Witte, K., & Cabus, S. (2020). School Outcomes of Children Raised by Same-Sex Parents: Evidence from Administrative Panel Data. *American Sociological*, 85(5), 830–856.
- McVeigh, R., & Diaz, M.-E. D. (2009). Voting to Ban Same-Sex Marriage: Interests, Values, and Communities. *AMERICAN SOCIOLOGICAL REVIEW*, 74, 891–915.
- Mill, J. (2021). *Philosophy of Sexuality*. (B. D. James Fieser, Ed.) Internet Encyclopedia of Philosophy.
- Moghadami Khammami, N. (2018). Supporting the institution of the family in the international human rights system.
- Moghadami Khammami, Nilofar (2018). Supporting the institution of the family in the international human rights system, 1-218.
- Moin, M. (1363). *Moin Persian dictionary*. Amir Kabir Publications.
- Mousavi, S. & Ebrahimi, F. (2019). Investigating the position of the family in the international human rights system. *Public Law Studies Quarterly*, 50(2), 2.
- Omid, H. (1389). *Amid dictionary*. Tehran: Rah Rosh Publications.
- Pećnik, N., & Starc, B. (2010). *Parenting in the Best Interests of the Child and Support to Parents of the Youngest Children*. Geneva: UNICEF.
- Pichardo, G. J. (2009). *Entender la diversidad familiar*. Bellaterra, Barcelona, (91).
- Report of the United Nations Secretary-General. (2010). A/66/62–E/2011/4.
- Reynolds, J., Houlston, C., Coleman, L., & Harold, G. (2014). *Parental conflict: Outcomes and interventions for children and families*. Cambridge: Bristol University Press, Policy Press.
- Richardson, D., Dugarova, E., Higgins, D., Hirao, K., Karamperidou, D., Mokomane, Z., et al. (2020). *Families, Family Policy and the Sustainable Development Goals*. UNICEF Office of Research - Innocenti
- Richman, k. (2002). Lovers, Legal Strangers, and Parents: Negotiating Parental and Sexual Identity in Family Law. *Law & Society Review*, 36(2), 285-324.
- Robles, T. (2014). Marital Quality and Health: Implications for Marriage in the 21st Century. *Current Directions in Psychological*, 427–432.
- ROSENFELD, M. J. (2010). NONTRADITIONAL FAMILIES AND

- CHILDHOOD PROGRESS THROUGH SCHOOL. *Demography*, 47, 755-775.
- Safarina, M. (2013). Family in international legal documents rights and duties, achievements and challenges. Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute.
- Salfas, B., Jonathon Rendina, H., & Parsons, J. T. (2019). What is the Role of the Community? Examining Minority Stress Processes among Gay and Bisexual Men. *HHS Author Manuscripts*, 4(3), 300–309.
- Slatcher, R. B. (2010). Marital Functioning and Physical Health: Implications for Social and Personality Psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 7(4), 455-469.
- Smietana, M. (2011). Family-based affirmative action? Subversion and resilience strategies of gay father families. (PhD diss.). Universidad de Barcelona., 13.
- Snyder, D. K., Simpson, J. A., & Hughes, J. N. (2006). Emotion regulation in couples and families: Pathways to dysfunction and health. Washington, DC: AMERICAN PSYCHOLOGICAL ASSOCIATION.
- Umberson, D., & Kroeger, R. A. (2016). Gender, Marriage, and Health for Same-Sex and Different-Sex Couples: The Future Keeps Arriving. *National Symposium on Family Issues*, 189–213.
- UN Economic and Social Council. (2000, August 11). General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant). Retrieved 10 28, 2022, from <https://www.refworld.org>: <https://www.refworld.org/docid/4538838d0.html>
- Victoria, C. (2001). What about the children? Arguments against lesbian and gay parenting. *Women's Studies International Forum*, 24(5), 555–570.
- W. Santrock, J. (1383). The field of Santrak psychology, translated by Mehrdad Firouzbakht. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Watkins, C. S. (2018). School Progress Among Children of Same-Sex Couples. *Population Association of America*, 1-23.
- Whisman, M. A., & Baucom, D. H. (2012). Intimate Relationships and Psychopathology. *Clin Child Fam Psychol Rev*, 15(1), 4-13.
- Whisman, M., Sheldon, C., & Goering, P. (2000). Psychiatric Disorders and Dissatisfaction With Social Relationships: Does Type of Relationship Matter? *Journal of Abnormal Psychology*, 109(4), 803-808.
- Wittgens, C., Fischer, M. M., Buspavanich, P., Theobald, S., Schweizer, K., & Trautmann, S. (2022). Mental health in people with minority sexual orientations: A meta-analysis of population-based studies. *Acta Psychiatr Scandinavia*, :357–372.
- Woodward, R., & Winter, T. (2007). Sexing the Soldier The politics of gender and the contemporary British Army. New York: Routledge.